

فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۹، ویژه فلسفه و کلام

جلوه‌های کرامت انسانی در سبک زندگی امام رضا علیه السلام

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۲/۲۸

زینب کبیری*

چکیده

سبک زندگی امام رضا علیه السلام بیانگر روش حضرت برای کسب کمالات انسانی است که در این مقاله به شیوه توصیفی تحلیلی بررسی می‌شود. در این راستا ابتدا به تبیین کرامت انسانی، منشا و مراتب آن پرداخته شده و سپس اهداف رفتار کرامت مندان، موانع کرامت ورزی، و جلوه‌های رفتار کرامت مندان از منظر امام رضا علیه السلام بیان می‌گردد. ایجاد سازگاری و تداوم محبت و مهرورزی در سیره امام رضا علیه السلام، به عنوان ارکان آرامش بخشی بوده و بر پایه احترام به کرامت ذاتی انسان و حول محور تقوا پیشه‌گی شکل گرفته و روح توحیدی بر آن سایه افکنده است. از دیدگاه حضرت، راهکار اصلی انجام رفتار کرامت مندان، کسب رضایت الهی است. جلوه‌های کرامت ورزی از دیدگاه حضرت عبارت است از: عبادت و اطاعت الهی، صبوری کردن، کم توقع بودن، جایگزینی رفاه اخروی با رفاه دنیوی، عفو و بخشش در مناسبات اجتماعی، ادب و پرهیز از استبداد و خودرایی، راستگویی و امانتداری.

واژه‌های کلیدی: کرامت، سبک زندگی، توحید، امام رضا علیه السلام.

* دانش آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

سیره زندگی رضوی، احترام به کرامت انسانی به عنوان خلیفه الله و حامل روح الهی است و مسیر رسیدن به زندگی کرامت مندانه، تقویت عبودیت و تقوا در انسان و توجه دادن به خدا و آخرت است. سخنان امام رضا علیه السلام و سبک زندگی حضرت یک معیار اصلی دارد و آن عبارت است از: «رسیدن به رضایت حق تعالی: سبکی که جلوه‌هایی از کمالات انسانی را برای رسیدن به تفاهم و آرامش بیشتر ترسیم می‌کند.

بیان مفاهیم

کرامت

کرامت در لغت به معنی شرافت شیء فی نفسه و بزرگواری و بزرگ منشی در اخلاق آمده است. (ابن فارس، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۴۰)

این واژه مخالف فرومایگی دانسته شده است. (فراهیدی: ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۱۰) معنای اکرام و تکریم آن است که بزرگداشتی یا سودی به انسان برسد که در آن نقصان و خواری نباشد. (راغب اصفهانی: ۱۳۲۴ق، ص ۴۲۹)

در بیان فرق «کرم» و «جود» گفته شده «کرم» بخشش چیزی است از روی طیب نفس، خواه کم باشد یا زیاد، ولی «جود» بخشش زیاد است چه از روی طیب نفس باشد یا نباشد. همچنین جواد به کسی اطلاق می‌شود که در مقابل درخواست شخص چیزی عطا می‌کند اما کریم بدون سوال و اظهار نیاز، بخشش می‌نماید. (عسگری: ۱۴۱۲، ص ۱۷۰)

آیه الله جوادی آملی کرامت را مقابل دنائت به معنی نزاهت از پستی و فرومایگی دانسته و کریم را به روح بزرگوار و منزّه از هر پستی معنی کرده است. (جوادی آملی: ۱۳۷۶، ص ۱۸)

علامه طباطبایی (ره) در تفاوت تکریم و تفضیل فرموده است: هرگاه چیزی را مورد عنایت خاص قرار دهیم و به چیزی که مختص اوست و در دیگری یافت نمی‌شود ارج نهمیم، او را تکریم کرده‌ایم. در کرامت، شخص مورد تکریم مد نظر است و کاری به غیر نداریم (مفهومی نفسی است) اما در تفضیل، شخص از دیگران برتری می‌یابد در حالی که او با دیگران در اصل آن عطیه شریک است. (طباطبایی: ۱۴۰۲ق، ج ۱۳، ص ۲۱۴-۲۱۷)

بنابراین تکریم انسان ناظر به یک دسته از موهبت‌های الهی است که به انسان داده شده و به هیچ موجود دیگری داده نشده است. انسان کریم روح بزرگوار و منزّه از هر

پستی را با تکیه بر ویژگیهای کرامت ذاتی در خود ایجاد کرده و بزرگواری و بزرگ منشی در اخلاق را کسب کرده است.

سبک زندگی

سبک زندگی به معنای شیوه ی خاص زندگی یک فرد، گروه، یا جامعه است. سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را دربر می‌گیرد. (online Etymology dictionary)

امام رضا علیه السلام

حضرت علی بی موسی الرضا علیه السلام پیشوای هشتم شیعیان؛ بنابر مشهور، در روز یازدهم ذی‌قعدة سال ۱۴۸ق در مدینه متولد شدند. مادر بزرگوارشان «تکتم» نام داشت که بعد از تولد حضرت، از طرف امام کاظم علیه السلام، طاهره نام گرفت. نام مادر حضرت را «نجمه» نیز گفته‌اند. نام حضرت علی، کنیه ایشان ابوالحسن الثانی و لقبشان رضاست. (قمی، ۱۳۷۸: ۹۰۲-۹۰۵)

منشا و مراتب کرامت

کرامت نحوه وجود و هستی خاصی است که کامل‌ترین مصداق آن برای خدای سبحان ثابت است که عالی‌ترین درجه وجود را داراست بلکه هستی محض است؛ و چون معنای کرامت هم بر واجب الوجود و هم بر ممکن الوجود به نحو اشتراک معنوی نه لفظی اطلاق می‌گردد، معلوم می‌شود که از سنخ ماهیت نیست، اگرچه در بعضی از مراحل متوسط یا نازل آن، ماهیت او را همراهی می‌کند و با او ترکیب خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ص ۷)

قرآن کریم انسان را دارای دو مرتبه از کرامت و برتری وجودی می‌داند. مرتبه اول کرامت ذاتی است که مربوط به نوع انسان است و شامل همه انسانها می‌شود. «و لقد کرمنا بنی آدم» (سوره اسراء، آیه ۷۰). مرتبه دوم کرامت انسان اکتسابی است و به واسطه تقوا، حاصل می‌شود. «انّ اکرمکم عندالله اتقیکم».

علامه طباطبایی کرامت ذاتی انسان را به عقل می‌داند که به هیچ موجود دیگری داده نشده و انسان به وسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر و نیک را از بد تشخیص می‌دهد، و سایر موهبت‌های دیگر به وسیله آن محقق می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، همان، ص ۲۲۶)

علامه جوادی آملی نیز منشا کرامت ذاتی را دمیده شدن روح الهی در انسان می‌داند که سبب شده همه انسان‌ها بالقوه کریم باشند و با پیمودن راه کرامت، انسان (کریم) بالفعل شوند. (جوادی آملی، همان، ص ۹۷-۹۹)

مرتبه دوم کرامت انسان اکتسابی است و به واسطه تقوا، حاصل می‌شود. «انّ اکرمکم عندالله اتقیکم»: همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

انسان باید استعداد کرامت را به فعلیت برساند. و کرامت ذاتی را در راستای کسب کمالات و کرامات اکتسابی به کار بندد.

تقوا نیز با معرفت، علم و عمل صالح حاصل می‌شود، البته نه هر علمی بلکه علمی که معلّمش خداست و انسان را به فراگیری آن دعوت کرده است (اقرا وربّک الاکرم. الّذی علّم بالقلم. علّم الانسان ما لم یعلم). (سوره علق، آیه ۳-۵)

یعنی خداوند درس کرامت به انسان‌ها می‌دهد و می‌خواهد انسان را کریم کند. بنابراین انبیا و اولیا که مجرای فیض کرامت و وسایط تعلیم آنند، حتما کریم خواهند بود. (جوادی آملی، همان، ص ۲۰)

به همین دلیل سیره اولیاء الهی می‌تواند نمایانگر کرامت مورد نظر الهی باشد و بررسی سبک زندگی امام رضا علیه السلام می‌تواند یک روش برای آموختن نحوه کرامت ورزی بر پایه تقوا باشد.

موانع کرامت ورزی

کریم روح بزرگوار و منزّه از هر پستی را گویند و خداوند سبحان محدوده عالم طبیعت و اعتبارات آن را در برابر کرامت دانسته و از آن به «دنیا» یاد کرده است؛ چون دنائت در مقابل کرامت است و دنیّ در مقابل کریم. پس در محدوده اعتبارات دنیایی سخن از کرامت نیست چون ممکن نیست انسان دل‌باخته دنیا کریم بشود. آری اگر کسی فرومایه نبود و از اعتلای روحی برخوردار بود، کریم است. (همان، ص ۲۱-۲۳)

موانع کرامت ورزی نیز عبارت است از طغیان و سرکشی از دستورات الهی و در نتیجه دنیاطلبی و فراموشی آخرت.

قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الانسان ما غرک بریک الکریم» (سوره انفطار، آیه ۶) «ای انسان چه چیز تو را در برابر پروردگار کریم مغرور ساخته است». خود قرآن دلیل آن را نیز بیان کرده است: «کَلَّا إِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَکَفِیْرٌ. اِنَّ رَاہَ اسْتَغْنٰی» (سوره علق، آیه ۶-۷) «همانا انسان طغیان کرد آن زمان که خود را بی نیاز دید».

یعنی اولین شرط کرامت بندگی است و اولین مانع کرامت، طغیان و تمرد در برابر خداست. برای رسیدن به کرامت باید اهل دنیا نبود یعنی به فرومایگی‌ها و پستی‌های زندگی دنیا که انسان را از یاد خدا غافل می‌کند، تن نداد.

هدف زندگی کریمانه

با توجه به آنچه ذکر شد، مبنای زندگی کریمانه از دیدگاه قرآن که مکتب اهل بیت بر اساس آن شکل گرفته است توحید محوری و هدف زندگی کریمانه توجه به آخرت و پرهیز از دنیاطلبی، عبد محض گشتن و متقی شدن در سراسر زندگی است.

شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«کسی که به خدای عزوجل ایمان نیاورد، از نافرمانی او پرهیزد و از ارتکاب گناهان بزرگ خودداری نرزد و در انجام فساد و ظلم ملاحظه کسی را نکند. و چون مردم این کارها را انجام دهند و هر انسانی آنچه را می‌خواهد و هوس می‌کند مرتکب شود و ملاحظه احدی را نکند و کسی را مراقب اعمال خود نداند جامعه به کلی فاسد می‌شود و مردم به جان یکدیگر می‌افتند و به ناموس و اموال هم تجاوز می‌کنند و خون‌ها و حرمت‌ها را مباح می‌شمارند و یکدیگر را بناحق و بدون گناه می‌کشند. در نتیجه، دنیا خراب می‌شود و انسانها از بین می‌روند و حرث و نسل به تباهی کشانده می‌شود.» (ابن بابویه، بی تا: ج ۲، ص ۳۳۶)

در مکاتب اومانیسم (انسان محوری)، لذت‌گرایی و سودگرایی، نمی‌شود انسان گرسنه باشد و غذا نخورد؛ نمی‌شود انسان حب دنیا داشته باشد و خود را به مردن دهد، کارهایی از قبیل انفاق و ایثار و... حماقت است، کارهایی که به سود دیگران است معنی ندارد، مگر اینکه بیش از سودی که به طرف می‌رسد به خود شخص برسد. در این نوع زندگی چون هدف رسیدن به لذات مادی بیشتر است، سوال مهم در این فرهنگ آن است که برای لذت بردن هر چه بیشتر از زندگی چه باید کرد؟ بر این اساس در چنین زندگی همجنس‌گرایی ارزش شمرده می‌شود. (رحیم‌پور اذغدی، سخنرانی در دانشگاه امیرکبیر تحت عنوان «سبک زندگی» به همه مربوط است نه ارز و سکه، ۸ آبان ۱۳۹۱)

مقام معظم رهبری، در این خصوص، می‌فرمایند: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است؛ هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با آن، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان خراسان شمالی، ۲۳ مهر ۹۱)

هدف وسعادت زندگی از دیدگاه امام رضا علیه السلام در خوردن و آشامیدن و بهره‌گیری هر چه بیشتر از مواهب مادی نیست، بلکه عامل خوشی و سعادت در زندگی، یاد خداست. شیخ صدوق به اسناد خود از علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدران او از حسین بن علی نقل کند که فرمود:

«زیر دیوار شهری از شهرها کتیبه‌ای یافت شد که بر آن نوشته شده بود: خدایی جز من نیست و محمد رسول من است، شگفتم از آن که به مردن یقین دارد، چگونه شادمان است، و شگفتم از آن که به تقدیر یقین دارد، چگونه اندوهگین شود، و شگفتم از آن که دنیا را آزموده است، چگونه بدان اطمینان یابد، و شگفتم از آن که به حساب یقین دارد، چگونه گناه می‌کند؟» (ابن بابویه، بی تا: ج ۲، ص ۵۸)

طبق این حدیث شادی و اندوه واقعی در زندگی، در راستای رسیدن به سعادت اخروی معنا می‌یابد و هر شادی و اندوه ناپایدار، ارزش توجه کردن و وقت گذاری پیرامون آن مساله را ندارد.

اگر دنیا ارزشی دارد، از آن حیث است که می‌تواند ابزاری باشد برای نیل به سعادت اخروی و زندگی واقعی؛ وگرنه به سبب زوال‌پذیری و توأم بودن آن با سختی‌ها ارزش واقعی ندارد و جز بازیچه‌ای موقت برای کسانی که از خدا غافل شده‌اند نیست. لذا قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»

«این زندگانی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست. زندگانی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند.» (سوره عنکبوت، آیه ۶۴)

یا: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» «بلکه زندگانی دنیا را بر می‌گزینند، در حالی که آخرت بهتر و ماندگارتر است.» (سوره الأعلى، آیات ۱۶ و ۱۷)

انسان در زندگی دنیایی مسافری بیش نیست که مقصدش زندگی آخرت است و زندگی دنیا، منزلگاه و مسافرخانه‌ی سر راه اوست و ناگفته پیداست که راحتی هر مسافری در سبک‌بالی و فراهم کردن ضروریات است.

قرآن کریم خطر افراد دنیا زده را مسری می‌داند و هشدار می‌دهد که مبادا از چنین کسانی الگو بگیرید:

«فَاعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكُمْ مَسْبَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّٰ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَن اهْتَدَىٰ»

«پس، تو نیز از کسی که از سخن ما روی‌گردان می‌شود و جز زندگی دنیوی را نمی‌جوید اعراض کن؛ منتهای دانش آنان همین است. پروردگار تو به آنکه از راهش گمراه می‌شود یا به راه هدایت می‌افتد داناتر است.» (سوره نجم، آیات ۲۹ و ۳۰)

مصادیق کرامت انسانی در سبک زندگی رضوی

انسان استعداد زندگی کرامت‌مندانه و با شرافت و خلیفه‌الله شدن را دارد. زندگی که وسعت آن همه پهنای هستی را در بر می‌گیرد. و باید این استعداد را به فعلیت برساند. فعلیت این استعداد از طریق عبودیت و تقوایب‌گه‌گی و به عبارت دیگر از طریق مکارم اخلاق صورت می‌پذیرد.

قرآن کریم همسر و فرزندان را نعمت‌های الهی در دنیا معرفی می‌کند که می‌توان در راه آخرت از آنها بهره برد و اعمال صالح را از مصادیق بندگی برمی‌شمرد که انسان را به کرامت اکتسابی می‌رساند.

«أَمْالٌ وَ التُّبُونُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْالًا»

«دارایی و فرزندان زیورهای زندگی دنیا هستند و کردارهای نیک، که همواره بر جای می‌ماند، نزد پروردگارت بهتر و امید بستن به آن‌ها نیکوتر است.» (سوره کهف، آیه ۴۶)

سبک زندگی کرامت مندانه امام رضا علیه السلام بر اساس همین دیدگاه قرآنی به صورت ذیل شکل گرفته است:

۱. اطاعت و عبادت خداوند

برای رسیدن به زندگی کرامت مندانه باید به دنیا ی فرومایه و ظواهر فریبنده ی آن که موجب تفاخر و غفلت است بها نداد. شخصی نزد امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد: به خدا سوگند در روی زمین از حیث نسب کسی از شما اهل بیت برتر و بزرگوارتر نیست. امام فرمود: «تقوا به آنان برتری داد و فرمانبرداری خداوند، آنان را به این پایه و مقام رسانید. بهتر از من کسی است که برای خدا فرمانبردار تر و از نافرمانی او پرهیزگار تر باشد.» (ابن بابویه، همان، ج ۲، ص ۲۲۶)

طبق سخن امام رضا علیه السلام کرامت و بزرگواری اکتسابی برتر از کرامت ذاتی است و مصداق این کرامت در عبادت خداوند نهفته شده است.

از محمد بن یحیی الصولی مروی است که گفته است: «جده مادر پدرم که اسم او غدر بود از برای من حدیث کرد و گفت من با چند کنیز دیگر از کوفه خریده شدیم و من زاینده کوفه بودم پس از خریدن، ما را به سوی مأمون حمل کردند... پس از آن مأمون مرا

به حضرت رضا علیه السلام بخشید چون در خانه آن بزرگوار وارد شدم زنی را بر ما قرار داده بودند در وقت شب ما را بیدار می‌کرد و به نماز می‌خواند...» و بسیاری اوقات احوال حضرت رضا علیه السلام را از او جویا می‌شدند می‌گفت من چیزی از او یاد نمی‌کنم مگر آنکه او را می‌دیدم که خود را به عود هندی خام بخار می‌داد و بعد از آن گلاب و مشک استعمال می‌کرد و چون صبح می‌شد در اول وقت نماز می‌گذارد و پس از آن سجده می‌کرد و سر مبارک از سجده بر نمی‌داشت تا اینکه آفتاب بلند می‌شد پس از آن بر می‌خاست و با مردم می‌نشست و یا سوار می‌شد و جز این نبود که با مردم کم‌کم سخن می‌گفت یعنی به نرمی تکلم می‌فرمود» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲: ۴۲۲)

در سبک زندگی امام رضا علیه السلام عبادت اولین و مهمترین مصداق کرامت ورزی است.

۲. صبور بودن

یکی از مصداق کرامت ورزی ایجاد راهکارهای سازگاری و محبت در روابط با دیگران است. سازگاری و رفتار محبت آمیز از طریق صبر و استقامت در برابر مشکلات و ناچیز دانستن مشکلات دنیوی در برابر سختیهای اخروی به دست می‌آید و با جایگزینی ثواب و پاداش الهی به جای برخورداری‌های دنیایی حاصل می‌شود.

صبور بودن مهمترین عامل موفقیت در مشکلات و اختلافات است، اما چگونه می‌توان صبر را پیشه خود قرار داد؟

شیخ صدوق از امام رضا (ع) باز گوید که آن حضرت فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «از گنج‌های نیکی، پنهان داشتن عمل و صبر در برابر سختی‌ها و پوشیده داری مصیبت هاست.» (علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶ ق: ۷۴)

در این حدیث حضرت صبر را گنجی مخفی می‌داند که ارزش آن برای هر شخصی آشکار نیست. همچنین فرمود: «وَقَالَ لَا يَكُونُ عَاقِلًا حَتَّىٰ يَكُونَ حَلِيمًا» «کسی عاقل نیست مگر اینکه حلیم باشد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۲۸۸)

صبر پیشه کردن، فرهنگ رضوی و برخاسته از فرهنگ قرآنی ماست. راهی به سوی ایجاد و افزایش معرفت ناشی از ایمان است که ثمره شیرین این سبک و روش زندگی، ایجاد محبت در روابط انسانی است. امام رضا علیه السلام در این رابطه فرموده است:

«از نشانه‌های فهم، بردباری، دانش و خاموشی است. به راستی خاموشی دری است از درهای حکمت، به راستی خاموشی دوستی آورد.» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴: ص ۳۴۳)

۳. کم توقع بودن

حضرت امام رضا علیه السلام معتقد است در راستای به فعلیت رساندن استعداد کریمانه، کم توقعی و خدمتگذاری به هم‌نوعان، شرط زندگی رو به رشد و تعالی معنوی انسان است. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «خرد شخص مسلمان کمال نیابد مگر آن که ده خصلت در او دیده شود: امید خیر به او رود، از فتنه او ایمنی باشد، خیر اندک دیگران را زیاد بیند و نیک بسیار خود را اندک شمارد، از این که زیاد از او حاجتی خواسته شود خسته نگردد، همه روزگار از کسب دانش ملول نشود، فقر به خاطر خدا نزد او دوست داشتنی تر از بی نیازی و ذلت به خاطر خدا نزدش محبوبتر از عزت به واسطه دشمنش باشد و گمنامی را دوست تر از بلند آوازی دارد» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۴۶۸)

۴. سخاوتمند بودن

توجه به نیازهای مادی دیگران و برآورده کردن آنها موجب افزایش محبت و سازگاری بین افراد است. عدم توجه به این نکته ناسازگاری‌هایی را به دنبال خواهد داشت.

ابو الحسن الرضا علیه السلام گفت: «شایسته آن است که انسان بر اهل و عیال خود وسعت و گشایش دهد تا مرگ او را تمناً نکنند». (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳: ص ۹۰)

بخشش و سخاوت علاوه بر آنکه سعه وجودی به انسان می‌بخشد و سبب کسب کرامت می‌شود، باعث دلگرمی زندگی و انس بیشتر با دیگران می‌شود. در سخنان حضرت، سخاوتمند نبودن یکی از دلایل محرومیت از عطای الهی شمرده شده است:

ابو الحسن رضا علیه السلام فرمود: «خداوند بر فلانی منت نهاد و از نعمت خود سهمی به او عطا کرد، اما او خانواده‌اش را از فیض نعمت الهی محروم کرد و عطای الهی را نزد دیگران به امانت سپرد، و خداوند امانت او را تباه کرد و حسرت آن بر جا ماند». (کلینی، همان، ۹۰-۹۱)

از دیدگاه امام رضا علیه السلام خصلت سخاوتمندی، خوی کریمانه‌ای است که انسان را در قرب وجودی به معبود یاری می‌دهد: «سخاوتمند، خوشخوئی است که در پناه خداست و خدا او را رها نکند و وانگذازد تا به بهشتش برسد، خدا پیغمبری نفرستاده مگر با سخاوت، و پیوسته پدرم مرا به سخاوت و خوشخوئی سفارش میکرد تا در گذشت.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۴۳۶)

۵. عفو و بخشش

کنار گذاشتن خودخواهی‌ها در ابتدا سخت به نظر می‌رسد، اما روش امام جایگزینی پاداش بهتر و ابدی اخروی به جای لذات دنیوی است. یا به عبارتی گذر از دنیای فرومایگی و رسیدن به عالم کریمان است.

امام رضا علیه السلام در این رابطه فرموده است:

«یک جارچی در روز قیامت جار میزند، هر که را بر خدا مزدیست بپا شود، و بپا نشود مگر کسی که گذشت کرده و اصلاح کرده که اجرش با خدا است». (ابن شعبه حرانی، همان، ۴۳۵)

امام موسی بن جعفر علیه السلام، امام رضا علیه السلام را وصی و سرپرست اموال خود قرار داد و وصیت نامه‌ای نوشته و پس از گواهانی از اهل بیت و اصحابش آن را مهر کرد و لعنت فرستاد بر کسی جز امام رضا علیه السلام اگر آن را بگشاید. اما برادران امام رضا علیه السلام درباره وصیت نامه پدر با ایشان نزاع کردند و نزد ابو عمران طلحی قاضی مدینه از امام شکایت کرده و به ایشان تهمت زدند که قصد دارد اموال پدر را برای خود خرج کند. عباس برادر امام رضا علیه السلام در پیشگاه قاضی گفت در پایان وصیت پدرم گنجی ثبت است و برادرم می‌خواهد ما را از آن محروم کند و از قاضی خواست تا مهر وصیت نامه را بگشاید. قاضی از این کار امتناع کرد و گفت من لعنت پدرت را بر خود نمی‌خرم. اما عباس خود نامه را کشید و مهر آن را گشود. در وصیت نامه آمده بود همه اموال و فرزندان و همسران تحت سرپرستی امام رضا علیه السلام هستند و کسی حق مداخله ندارد و ایشان جانشین پدرشان هستند. پس از این رسوایی امام رضا علیه السلام رو به عباس کرد و فرمود: می‌دانم آنچه شما را به این امور وا داشته است بدهی‌ها و قرض‌های شماست همه ی آن بر عهده من و من تا زنده ام از کمک شما دست بر نخواهم داشت. (فضل الله، ۱۳۸۴، ص ۶۰-۶۳)

با وجود تهمت برادران به امام رضا علیه السلام و سخنان توهین آمیزی که بر زبان آوردند و کشاندن حضرت به جایی که در شان و مقام ایشان نبود، امام با بردباری و گذشت بسیار بدی‌های آنها را تحمل و با خوبی با آنان رفتار کرد.

ع. رعایت ادب و پرهیز از استبداد

گوهر وجودی انسان از محبت و انس گرفته شده و میزان احترام به افراد از میزان کرامت وجودی فرد ناشی می‌شود. ابراهیم بن عباس نقل می‌کند: «هرگز ندیدم حضرت

رضا علیه السلام در کلامش به احدی جفا کند. هیچ وقت سخن کسی را قطع نمی‌کرد، تا او از کلام خود فارغ شود. هرگز پیش هم‌نشینان پای خود را دراز نمی‌کرد، تکیه نمی‌داد، غلامان و خدمت‌کاران را ناسزا نمی‌گفت. «(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ص ۹۰)

خادم او یاسر نقل می‌کند: وقتی حضرت رضا علیه السلام تنها بود (و دور از برنامه‌های حکومتی و تشریفات) همه همراهان و اطرافیان را از کوچک و بزرگ، دور خود جمع می‌کرد، با آنان حرف می‌زد و با ایشان انس می‌گرفت و همدم آنان می‌شد و هنگام غذا نیز همه آنان را از کوچک و بزرگ، حتی کار پرداز خانه و حجامت کننده و... را هم صدا می‌کرد و با خودش سر سفره می‌نشاند و با هم غذا می‌خوردند. (ابن بابویه: ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۳۲)

تواضع، بی‌پیرایگی، رعایت عدالت و پرهیز از «ستم به اهل خانه» سیره آن بزرگوار بود.

امام رضا علیه السلام به سند از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که شخصی حضرت علی علیه السلام را دعوت به طعام کرد حضرت فرمود دعوت را می‌پذیرم به شرط آنکه سه چیز را بر من تعهد کنی: ۱- چیزی از بیرون خانه تهیه نکنی ۲- چیزی درون خانه از من دریغ نکنی ۳- به خانواده ات اجحاف و ستم نکنی. (همان، ص ۵۰)

۷. راستگویی و امانتداری

قبلا بیان شد در محدوده اعتبارات دنیایی سخن از کرامت نیست چون ممکن نیست انسان دلباخته دنیا کریم بشود. آری اگر کسی فرومایه نبود و از اعتلای روحی برخوردار بود، کریم است.

راهکاری که در ایجاد خوی کریمانه، سازگاری و محبت را به ارمغان می‌آورد، راستگویی و امانتداری است. امام رضا علیه السلام از پیامبر(ص) نقل کرده اند که حضرت فرمود:

«من عامل الناس فلم يظلم و حدثهم فلم يكذبهم و وعدهم فلم يخلفهم فهو ممن كملت مروته و ظهرت عدالته و وجبت اخوته» «هرکس در سخن گفتن با مردم دروغ نگوید و خلف وعده نکند، پس وی از کسانی است که مردانگی و انسانیتش به حد کمال رسیده و عدالتش آشکار شده و دوستی و برادری با او لازم آمده است.» (ابن بابویه: ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۷)

در اهمیت راستگویی و امانت داری همین کافی است که ترازوی ایمان و تقوای فرد به شمار آمده است. شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام نقل کرده است: «به بسیاری نماز و روزه و زیادی حج و احسان و زمزمه شان در شب منگرید بلکه به راستی سخن و امانت داریشان بنگرید.» (ابن بابویه، همان، ص ۷۵)

بنابراین حدیث ملاک ایمان، راستگویی و امانتداری است. و این دو اصل مهم در برقراری رابطه سالم و پایدار با دیگران است. در این قسمت نیز به نظر می‌رسد روش امام در زندگی کریمانه، جایگزین کردن ارزش‌های معنوی به جای ارزش‌های زودگذر و توجه دادن به ثواب‌های اخروی است.

نتیجه‌گیری

کرامت نحوه وجود و هستی خاصی است که کامل‌ترین مصداق آن برای خدای سبحان ثابت است که عالی‌ترین درجه وجود را داراست و انسان نیز قوه و استعداد مرتبه‌ای وجودی به نام کرامت به معنای دوری از پستی‌ها و رسیدن به شرافت و مقام خلیفه‌اللهی را دارد. استعدادی که جز با عبودیت و تقوا حاصل نمی‌شود.

قرآن کریم انسان را دارای دو مرتبه از کرامت و برتری وجودی می‌داند. مرتبه اول کرامت ذاتی است که مربوط به نوع انسان است و شامل همه انسانها می‌شود. (و لقد کرّمنا بنی آدم) (سوره اسراء، آیه ۷۰) و کرامت اکتسابی.

علامه طباطبایی کرامت ذاتی انسان را به عقل می‌داند که به هیچ موجود دیگری داده نشده و سایر موهبت‌های دیگر به وسیله آن محقق می‌شود و علامه جوادی آملی نیز منشأ کرامت ذاتی را دمیده شدن روح الهی در انسان می‌داند.

انسان باید استعداد کرامت را به فعلیت برساند و این مرتبه‌ی دوم کرامت انسان است که اکتسابی است و به واسطه عبودیت و تقوا، حاصل می‌شود. «انّ اکرمکم عندالله اتقیکم: همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

خداوند درس کرامت به انسان‌ها می‌دهد و اراده کرده انسان مومن را کریم کند. بنابراین انبیا و اولیا که مجرای فیض کرامت و وسایط تعلیم‌آند، حتما کریم خواهند بود. به همین دلیل بررسی سیره و سبک زندگی اولیای الهی روش کرامت‌ورزی را به ما می‌آموزد.

کریم روح بزرگوار و منزّه از هر پستی را گویند و خداوند سبحان محدوده عالم طبیعت و اعتبارات آن را در برابر «کرامت» دانسته و از آن به «دنیا» یاد کرده است؛ چون دنائت در مقابل کرامت است و ذی در مقابل کریم. پس در محدوده اعتبارات دنیایی سخن از کرامت نیست چون ممکن نیست انسان دل‌باخته‌ی دنیا کریم بشود. آری اگر کسی فرومایه نبود و از اعتلای روحی برخوردار بود، کریم است.

از اینجا موانع کرامت ورزی دانسته می‌شود: ۱. طغیان و سرکشی از دستورات الهی ۲. دنیاطلبی.

برای رسیدن به کرامت باید اهل دنیا نبود یعنی به فرومایگی‌ها و پستی‌های زندگی دنیا که انسان را از یاد خدا غافل می‌کند، تن نداد.

با توجه به آنچه ذکر شد، مبنای زندگی کریمانه از دیدگاه قرآن که مکتب اهل بیت بر اساس آن شکل گرفته است توحید محوری، و هدف زندگی کریمانه توجه به آخرت و پرهیز از دنیاطلبی، عبد محض گشتن و متقی شدن در سراسر زندگی است.

سعادت زندگی از دیدگاه امام رضا در خوردن و آشامیدن و بهره‌گیری هر چه بیشتر از مواهب مادی نیست، بلکه عامل خوشی و سعادت زندگی، یاد خداست. این مبنا و سبک مطابق تعالیم قرآن و سنت نبوی است.

براساس کرامت اکتسابی انسان که از تقوای اکتسابی حاصل می‌شود و او را به قرب الهی می‌رساند، سبک زندگی امام رضا علیه السلام حول محور رفتار موحدانه بوده و به ایجاد سازگاری و محبت در بین افراد می‌انجامد که مصادیق آن عبارت است از: ۱. دعوت خود و دیگران به اطاعت و عبادت ظاهری و باطنی خداوند. ۲. صبور بودن ۳. کم توقع بودن ۴. سخاوتمندی ۵. عفو و بخشش ۶. راستگویی و امانت داری. همه این امور تنها با معامله کردن با خداوند و جایگزین کردن ارزش‌های الهی با ارزش‌های مادی و دنیوی، آسان و امکان پذیر می‌شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، ۱۳۷۹، قم، مشهور.
۳. صحیفه السجادیه، ترجمه و شرح فیض الإسلام، ۱۳۷۶ ش، مصحح: عبد الرحیم افشاری زنجانی، تهران، فقیه.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۱ ش، ثواب الأعمال و عقابها، ترجمه و تصحیح محمد علی مجاهدی، قم، سرور.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، بی تا، عیون أخبار الرضا علیه السلام (ترجمه آقا نجفی)، تهران، انتشارات علمیه اسلامی.
۶. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۸۰ ش، عیون أخبار الرضا علیه السلام، مترجم: حمید رضا مستفید، و علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ ش، الأملی (للصدوق)، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران، کتابچی.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۶ ش، علل الشرائع، ترجمه: هدایت الله مسترحمی، تهران، کتاب فروشی مصطفوی.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۷۶ ش، تحف العقول، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، کتابچی.
۱۰. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه.
۱۱. ابن فارس، ۱۴۲۰ ق، معجم مقاییس اللغة، بیروت، لبنان، دار الکتب العلمیه.
۱۲. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، ۱۳۷۴ ش، الغارات، ترجمه عبد المحمد آیتی، تهران، وزارت ارشاد.
۱۳. راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد، ۱۳۲۴ ق، المفردات فی غریب القرآن، مصر، مطبعه المیمینه.
۱۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۰۶ ق، خصائص الأئمه علیهم السلام (خصائص أمير المؤمنين علیه السلام)، مصحح محمد هادی امینی، مشهد، آستان قدس رضوی .
۱۵. شعیری، محمد بن محمد، ۱۳۸۸ ق، جامع الأخبار (ترجمه با عنوان: کاشف الأستار)، مترجم و مصحح: شرف الدین خویدکی، تهران، کتاب فروشی اسلامی.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۰۲ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه نشر اسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ ق، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام (ترجمه إعلام الوری)، مترجم: عزیز الله عطاردی قوچانی، تهران، اسلامی.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ ق، أملی طوسی، مصحح: مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة.
۲۰. عسگری، ابو هلال، ۱۴۱۲ ق، معجم الفروق اللغویه، قم، موسسه نشر اسلامی.

۲۱. علی بن موسی (امام هشتم علیه السلام)، ۱۴۰۶ ق، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ترجمه علاء الدین حجازی، مصحح: حسینعلی محفوظ، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، العین، قم، انتشارات دارالهجره، چاپ دوم.
۲۳. فضل الله، محمدجواد، (۱۳۸۴)، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، ترجمه سید محمد صادق عارف، چاپ دهم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۴. قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۸، منتهی الامال، مشهد، نشر بارش.
۲۵. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، رجال الکشی (اختیار معرفه الرجال)، مصحح: محمد بن الحسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۱ ش، بهشت کافی (ترجمه روضه کافی)، مترجم: حمید رضا آذیر، قم، سرور.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹ ش، أصول الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ ش، تحفه الأولیاء (ترجمه أصول کافی)، مترجم: محمد علی اردکانی، مصحح: محمد وفادار مرادی، عبدالهادی مسعودی، قم، دار الحدیث.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۴ ش، الروضة من الکافی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵ ش، أصول الکافی (ترجمه کمره‌ای)، قم، ایران.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳ ش، گزیده کافی، ترجمه محمد باقر بهبودی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت دار احیاء التراث العربی.
۳۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۳۸۰ ش، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام (ترجمه جلد ۴۹ بحار الأنوار)، مترجم: موسی خسروی، تهران، اسلامیة.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، ج ۴۹، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۵. مفید، محمد بن محمد، ۱۳۶۴ ش، الامالی (للمفید)، مترجم: حسین استاد ولی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۶. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۷. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۳، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر معارف.